

معرفی رنگین نگاره‌های صخره‌ای خراسان شمالی در شمال شرق ایران

حسن افشاری

دانش آموخته کارشناسی ارشد باستان شناسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

Hassanafshari@ut.ac.ir

شبنم صدرجمالی

دانشجوی دکتری مردم‌شناسی دانشگاه اسلاونی

معصومه اسکندری‌ثانی

دانش آموخته کارشناسی باستان شناسی از دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۵/۱۲ تاریخ پذیرش ۱۳۹۹/۸/۱۰)

چکیده:

خراسان شمالی یکی از مهم‌ترین مناطق تاریخی ایران می‌باشد که با وجود داده‌های فراوان فرهنگی، همچنان گمنام مانده است. این استان به دلیل اقلیم کوهستانی و ویژه‌ای که دارد احتمالاً در گذشته جمعیت زیادی از مردمان کوچ‌رو را در خود داشته است و گواه آن را می‌توان در منابع تاریخی یافت که در یک هزاره گذشته به دست آمده است. پژوهش باستان شناسانه در سیستم کوچ‌روی با مشکلات میدانی زیادی همراه می‌باشد که تاکنون در این مناطق صورت نگرفته است. امروزه در مناطق کوهستانی و مالروی این استان سه محوطه با نقوش رنگی صخره‌ای به دست آمده است که شاید بتوان آن‌ها را تصور ذهنی و اعتقادی مردمان ساکن در روزگار پیشین این مناطق دانست. هدف از پژوهش حاضر، بررسی میدانی و معرفی سه محوطه با نقوش رنگی صخره‌ای می‌باشد که مهم‌ترین آن، تکه در حومه شهرستان بجنورد مهم‌ترین نقوش رنگی را دارد. سپس می‌توان به نقوش رنگی زینکانلو و باش محله در اطراف شهرستان فاروج اشاره کرد که با توجه به نوع سبک رسم نقوش و محیط قرارگیری نقش‌ها شباهت خاصی میان هر سه محوطه وجود دارد که در نتیجه احتمالاً تقابل فرهنگی میان سازندگان تصاویر وجود داشته و یا از یک سبک محلی پیروی کرده‌اند. با توجه به شرح نقوش هیچ گونه تکنولوژی انسانی که نشانگر دوره زمانی خاصی از گذشته انسانی باشد در میان نقوش دیده نمی‌شود و با توجه به نقش انسانی تکه و زینکانلو نشان از دوره اهلی‌سازی حیواناتی مانند بز و یا اهلی شدن حیوانی شبیه سگ در نقوش تکه دارد.

واژگان کلیدی: هنر صخره‌ای، رنگین‌نگاره، خراسان شمالی، تکه، زینکانلو، باش محله

مقدمه:

روی بررسی این نقوش گذاشت و قدمت نقوش را به پیش از تاریخ نسبت داد (وحدتی، ۱۳۹۰). او در کتاب خود از دو محوطه منقوش با نام‌های زینکانلو و باش محله یاد کرد که معرفی این دو محوطه بخشی از پایان‌نامه کارشناسی ارشد آقای محمدرحمانی قرار گرفت. رحمانی نقوش این دو محوطه را به صورت ابتدایی توصیف و معرفی کرد (رحمانی، ۱۳۹۵). در سال ۱۳۹۷ نگارندگان در این بررسی به معرفی تمام نقوش رنگی خراسان شمالی و ارتباط آن با اقلیم و محیط پرداختند. در این پژوهش سعی بر ترسیم دقیق نقوش رنگی و همچنین پرداختن به دلیل چرایی رسم این نقوش و ارتباط آن با زندگی مردمان (گذشته) منطقه پرداخته شود.

رنگین نگاره‌های استان خراسان شمالی

استان خراسان شمالی در شمال شرق سرزمین ایران و با مختصات 36° و 37° تا 38° و 41° شمالی و بین نصف النهارهای 55° و 53° تا 58° و $30'$ شرقی قرار دارد. این استان امروزه از ۸ شهرستان (بجنورد، شیروان، اسفراین، مانه و سملقان، راز و جرگلان، جاجرم، فاروج و گرمه) تشکیل شده است (خیری و دیگران، ۱۳۹۴) که میان این شهرستان‌ها تغییرات اقلیمی گوناگونی وجود دارد اما شهرستان‌های بجنورد و فاروج از نواحی مرتفع و پر باران هستند (خیری و دیگران، ۱۳۹۴).

تاکنون در سه محوطه این استان نقوش رنگی صخره‌ای (رنگین نگاره) به دست آمده است که دو محوطه آن (زینکانلو و باش محله) در حومه

پژوهش روی رنگین نگاره‌های صخره‌ای در ایران در ابتدای راه می‌باشد و این در صورتی است که بیش از نیم قرن از شناسایی اولین محوطه منقوش در ایران می‌گذرد اما همچنان کار ثبت و مستند-نگاری آن‌ها به اتمام نرسیده است و همچنان محوطه‌های جدیدی با گذشت زمان یافت می‌شوند. اولین بار در سال ۱۹۶۳م خانم کلرگاف از نقوش میرملاس و برد سپید هومیان، طرح و عکس‌هایی تهیه کرد، اما تا سال ۱۹۷۰م گزارشی در این باره منتشر نکرد (Goff, 1970). اولین انتشار از رنگین‌نگاره‌های فلات ایران در سال ۱۹۶۷/۱۳۴۸م توسط حمید ایزدپناه ارائه شد او توانست نقوش قرمز و سیاه را بر روی دیواره‌های چند غار از جمله هومیان، میرملاس و دوشه پیدا و معرفی کند (ایزدپناه، الف، ۱۳۴۸ - ایزدپناه، ب، ۱۳۴۸ - ایزدپناه ۱۳۵۰). در همان سال مک بورنی در محوطه‌های هومیان و میرملاس به حفاری پرداخت (بورنی، ۱۳۴۸).

در سال‌های بعد نقوش گوناگونی در قسمت‌های مختلف ایران یافت شد که از آن میان می‌توان به استان زنجان، هرمزگان، فارس، سیستان و بلوچستان، اصفهان، کرمان، کرمانشاه و لرستان اشاره کرد. و اولین نقوش رنگی در استان خراسان شمالی در سال ۱۳۸۸ توسط محمد ناصری فرد شناسایی و معرفی شد (ناصری فرد، ۱۳۸۸). او مجموعه‌ای از نقوش رنگی در محلی به نام تکه با رنگ قرمز خرابی را منتشر کرد و در سال ۱۳۹۰ آقای علی وحدتی یک فصل از کتاب خود را بر

مورد وزش بادهای شدید قرار می‌گیرد که این مناسب دام و سکونت کوچروی نمی‌باشد (پاپلی یزدی، ۱۳۵۸: ۱۳۲). متأسفانه امروزه اطلاعات زیادی از پیشینه کوچرویی قبل از دوره صفویه در این اقلیم نداریم و تنها سفرنامه کلاویخو سفیر اسپانیایی در دوره تیمور در سال ۱۴۰۴ میلادی یکی از قدیمی‌ترین منابعی می‌باشد که به سکونت کوچروها اشاره کرده است.

او می‌نویسد: حدود یک فرسخ مانده به نیشابور جاده از ناحیه‌ای گذشت که در آن بیشه‌های بسیار بود و با جویبارها و نهرهای بی‌شماری سیراب می‌شد. در آن دشت اردوگاه بزرگی دیدیم مرکب از چهارصد چادر این چادرها عادی نبودند بلکه چادرهای دراز و کوتاه نمودین سیاه بودند در این چادرها قبیله‌ای به نام الواری که کرد هستند زندگی می‌کنند. زمستان و تابستان در هوای آزاد به سر می‌بردند و به گله چرانی مشغول بودند که البته کلاویخو این عشایر کرد را الواری ذکر کرده است که الوار جمع لر می‌باشد و امروزه نیز در برخی دهات اطراف نیشابور ریشه نام‌های لری دیده می‌شود (پاپلی یزدی، ۱۳۵۸: ۷۸).

در عصر صفویه عشایر کرد به این مناطق کوچانده شدند و در دوره رضا شاه با قرارداد تخت قاپو عشایر به زندگی یکجانشین و زندگی شهری روی آوردند (صفی نژاد، ۱۳۹۵: ۲۷۸). متأسفانه پژوهش‌های باستان‌شناسی در این مناطق بسیار اندک صورت گرفته است و اطلاعات قابل تأیید مبنی بر سیستم کوچروی پیش از تاریخ و دوره تاریخی این مناطق نداریم. اما با توجه به موارد

شهرستان فاروج با فاصله تقریبی هفت کیلومتر نسبت به هم قرار گرفته‌اند که فاصله این دو با محوطه سوم (تکه در روستای نرگسلو) بیش از ۱۲۰ کیلومتر می‌باشد. هر سه محوطه در کنار مسیر رودخانه و چشمه، با ارتفاع تقریبی بین ۱۱۰۰ تا ۲۰۵۰ متر از سطح آب‌های دریای آزاد واقع شده‌اند و در مسیر کوهستانی که در گذشته بیشتر سکونت کوچرویی داشته قرار دارند. از زینکانلو و تکه، تصاویر انسانی، گیاهی و حیوانی واز باش - محله تنها نقوش انتزاعی به دست آمده است که شاید نمادهای انسانی و حیوانی یا معنوی بوده باشند.

موقعیت و جغرافیای خراسان شمال و پیوستگی

آن با زندگی کوچرویی

با توجه به اقلیم محیط اطراف هر سه محوطه‌ای (تکه، زینکانلو و باش محله) که در خراسان شمالی در آنها نقاشی صخره‌ای به دست آمده دارای محیطی مناسب سکونت کوچروی بوده است. محیط خراسان شمالی ایجاب می‌کند که برای بهره‌برداری بهتر از محیط و منابع زمین و مراتع به صورت کوچروی فصلی صورت پذیرد (پاپلی یزدی، ۱۳۵۸: ۱۰۶ - شهبازی، ۱۳۶۹: ۱۴۲). دکتر محمدحسین پاپلی یزدی در زمینه سکونت کوچروی در خراسان شمالی معتقد است که مراتع تابستانی در خراسان شمالی بین ارتفاع ۱۵۰۰ تا ۲۸۰۰ متر از سطح آب‌های آزاد قرار گرفته است که این مراتع معمولاً ۱۱۰ روز یعنی ۲۰ فروردین تا ۱۰ مرداد قابل استفاده هستند. از آن تاریخ به بعد

اثر دودزدگی ناشی از آتش آسیب دیده است گرچه هنوز اثرات شاخ و سر یک حیوان در میان دوده‌ها قابل رویت می‌باشد. بخش دیگر بر اثر رسوب‌زدگی آسیب دیده‌اند و در میان آن اثرات رنگ نیز دیده می‌شود. بخشی از نقوش بر اثر قرارگرفتن در معرض نور (به صورت غیر مستقیم) قابلیت رنگی خود را از دست داده‌اند و قابل شناسایی نمی‌باشند. امروزه با پیشرفت علمی می‌توان سلول‌های مرده رنگی که دیگر خاصیت رنگ‌نمایی ندارند را شناسایی و بازسازی کرد (Nagel, 2010) یکی از سبک‌های منحصر به فرد و به کار رفته در نقوش تکه ترسیم خط زمینه می‌باشد که این تنها محوطه رنگین نگاره ایرانی به این سبک می‌باشد که تاکنون یافت شده است. یکی دیگر از ویژگی‌های نقوش رنگی خراسان شمالی کشیدن بزهای ریشو می‌باشد که سبک کشیدن بز ریشو در نقوش رنگی، تنها در استان خراسان شمالی (محوطه زینکانلو و تکه) دیده می‌شود. احتمال دارد سبک محلی و یا تأثیر و تأثر فرهنگی میان هنرمندان ترسیم کننده نقوش زینکانلو و تکه باشد. محوطه تکه در مواردی شباهت زیادی با محوطه اشکفت لارشکوگویییه دارد. هر دو محوطه دارای تقدس آیینی برای مردمان محلی است و در مکان خود نذری می‌دهند و شمع روشن می‌کنند و در پای نقوش هر دو محوطه بخشی از سنگ صیقلی شده که امروزه مردمان محلی بر روی آن سر می‌خورند. در هر دو محوطه دوده ناشی از آتش در کنار نقوش دیده می‌شود (افشاری و دیگران، ۱۳۹۸).

اشاره شده و بهره‌برداری سنتی از منابع محیطی اقلیمی، قابل درک است که در کنار برخی محوطه‌های پیش از تاریخی و تاریخی که در این محیط به دست آمده، سکونت کوچروی نیز وجود داشته است؛ زیرا در سه محوطه‌ای که در خراسان شمالی نقاشی رنگی صخره‌ای به دست آمده است در کوهپایه‌هایی با مسیر مال رو(در گذشته) و فاقد دشت در فاصله نزدیک بوده‌اند. هر سه محوطه در کنار مسیر آب رودخانه، چشمه و همچنین جزء بیلاق‌های کوچرویی قرار دارند که این عوامل بسیار شباهت نزدیکی به محوطه هومیان کوه‌دشت دارد با این تفاوت که با توجه به نبود پناهگاه سنگی در کنار رودخانه هومیان، نقاشی‌ها با فاصله حدود هزارمتری (نزدیکترین قسمت بدنه سنگی به رودخانه) قرار گرفته‌اند که با توجه به نمونه پیرگوران در شهرستان سراوان نیاز به بررسی و مقایسه می‌باشد.

معرفی محوطه منقوش تکه

نقوش رنگی تکه در روستای نرگسلوی علیا با مختصات طول جغرافیایی $05^{\circ} 57'$ عرض جغرافیای $37^{\circ} 30'$ و 1100 متر ارتفاع از سطح دریا‌های آزاد، در فاصله 30 کیلومتری شمال غرب شهر بجنورد قرار گرفته است. در فاصله 200 متری روستا محوطه صخره‌ای با نام محلی تکه وجود دارد. این محوطه برای مردمان محلی دارای تقدس آیینی می‌باشد که در حفره سنگی در ابعاد 4 در 3 متر ارتفاع و بیش از 36 نقش و اثر به رنگ قرمز-قهوه‌ای رویت می‌شود. بخشی از نقوش رنگی بر

ارتفاع دیده می‌شود. روبه روی آن دو بز در ابعاد ۲۷ در ۲۰ و ۱۲ در ۱۳ سانتیمتر و نقش درخت ابعاد ۱۹ در ۳۸ سانتیمتر ارتفاع می‌باشد. سمت راست درخت اثرات چند لکه رنگ در بخش فرو رفتگی و شکاف سنگ دیده می‌شود که به دلیل دوری از نور، خاصیت رنگی خود را همانند گذشته حفظ کرده است.

در پایین‌ترین بخش نقوش از سمت راست سایه بزی دیده می‌شود که رو به روی آن بز دیگری تنها با شاخ و بخشی از سر در ابعاد ۱۰ در ۱۶ سانتیمتر ارتفاع قابل مشاهده می‌باشد. روبه‌روی او تنها سر و شاخ بزی در ابعاد ۱۳ در ۲۳ سانتیمتر ارتفاع و مقابل او بزی دیگر که تنها شاخ و پاهای او قابل رویت می‌باشد. روبه‌روی او دو بز در ابعاد ۲۱ در ۲۱ و ۱۴ در ۱۳ و با بالای او گوزنی در ابعاد ۱۹ در ۱۴ سانتیمتر ارتفاع در کنار درختی در ابعاد ۲۱ در ۲۴ سانتیمتر ترسیم شده‌اند. پایین نقش درخت، بزی در ابعاد ۱۲ در ۱۱ سانتیمتر ارتفاع می‌باشد (تصویر 2.d) که در برابرش رسوبات ناشی از آب باران وجود دارد و در میانه نقوش و رسوبات اثرات کمی از رنگ قابل شناسایی است که احتمالاً تصویر در گذشته بزرگتر بوده و امروزه بخشی از آن بر اثر رسوبات از بین رفته است.

محوطه منقوش زینکانلو

محوطه زینکانلو در ۲۴ کیلومتری جنوب غربی شهرستان فاروج و مختصات 37° $02'$ عرض شمالی و 58° $05'$ طول شرقی واقع شده است. زینکانلو امروزه روستای کوچکی در میان کوه‌های

در شمالی‌ترین قسمت نقوش، نقش درخت یا گیاهی در ابعاد ۲۳ در ۳۱ سانتیمتر ارتفاع دیده می‌شود. در پایین سمت چپ نقش سه ردیف بز در ردیف‌های گوناگون سطری به صورت طولی در ابعاد ۲۱ در ۲۰، ۱۷ در ۱۶ و ۱۲ در ۱۴ سانتیمتر ارتفاع رسم شده‌اند. در جنوب شرق نقوش تصویر گربه‌سانی با دم بلند در ابعاد ۱۷ در ۲۱ سانتیمتر ارتفاع وجود دارد. رو به رو تصویر دو بز نخست، درختی بلند با ارتفاع ۲۱ در ۵۳ سانتیمتر رسم شده است. در سمت راست درخت نقش انسانی با چوبدستی بر روی دوش و با ابعاد ۸ در ۹ سانتیمتر ارتفاع را دیده می‌شود. جلوی نقش انسانی دو حیوان شبیه سگ، یکی در ابعاد ۱۳ در ۷ و دیگری تنها سر حیوان با ابعاد ۳ در ۳ سانتیمتر ارتفاع دیده می‌شود که گویا به دنبال دو بز با ابعاد ۲۳ در ۱۹ و ۱۷ در ۱۵ سانتیمتر ارتفاع می‌باشند که در مقابل درختی با ابعاد ۲۱ در ۲۳ سانتیمتر ارتفاع ایستاده‌اند. جلوی درخت نقش یک بز در ابعاد ۲۱ در ۱۵ سانتیمتر ارتفاع رسم شده است که گویا تیری به او در حال اصابت می‌باشد. جلوی او نقش گوزنی در ابعاد ۲۰ در ۲۰ سانتیمتر ارتفاع وجود دارد (تصویر 2.b).

بالای نقش گوزن درختی در ابعاد ۱۸ در ۲۱ و یک نقش ناشناخته در ابعاد ۱۳ در ۷ سانتیمتر قابل شناسایی است. در پایین نقش انسانی و حیوان شبیه سگ، نقش ناشناخته در ابعاد ۱۸ در ۸ سانتیمتر ارتفاع و پایین آن نقش سه بز در یک مسیر روبه روی درختی قرار دارند. اولین بز از سمت چپ، آسیب دیده و بخشی از بدن او ۱۰ در ۲۲ سانتیمتر

شاه‌جهان قرار گرفته است. مردمان این نواحی یکجانشین شده اند اما واضح است که با زندگی یکجانشینی تنها می‌توان از امکانات محیطی نیمی از سال این نواحی استفاده کرد و با توجه به رشد جمعیتی در پنج دهه گذشته اما با مقایسه آمار جمعیتی سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۸۴ چنین برآورد می‌شود که جمعیت این روستا با کاهش رشد شدیدی همراه بوده است که نشان از مهاجرت دارد (فرهنگ جغرافیایی ایران، ۱۳۳۰ - فرهنگ جغرافیایی آبادیهای کشور، ۱۳۸۴). در فاصله یک کیلومتری روستای زینکانلو و روستای مردکانلو در کنار مسیر رودخانه صخره‌ای چند وجهی با حفره‌های رسوبی همراه با تعدادی نقوش رنگی به دست آمده است که متأسفانه در سال های اخیر به واسطه عوامل انسانی مرکز نقوش از بین رفته است و ما امروزه اطلاعاتی از توصیف نقوش از بین رفته نداریم و تنها نقش ۶ بز، یک تصویر هندسی شبیه طرح حصیربافی و یک نقش انسانی بر دیواره آن دیده می‌شود (تصویر ۴ و ۵). توصیف دقیق نقوش به شرح زیر می‌باشد:

غربی‌ترین قسمت بوم نقش بز کوچکی در ابعاد ۱۱ در ۱۱ سانتیمتر ارتفاع و جلوی آن تصویر هندسی با ابعاد ۳۳ در ۱۴ سانتیمتر ارتفاع قرار دارد. پایین نقش هندسی تصویر آسیب دیده بز در ابعاد ۱۷ در ۱۵ سانتیمتر ارتفاع می‌باشد که تنها نیمه انتهایی دیده می‌شود. پایین‌تر اثرات رنگی متفاوت دیده می‌شود. بالای نقش هندسی تصویر بز در ابعاد عرض ۲۳ در ۲۳ سانتیمتر ارتفاع وجود دارد که دو پای جلوی بر اثر تخریب محوطه

از بین رفته است. همچنین در جهت شمال شرق نقش بز کوچکتر با ابعاد ۱۶ در ۱۳ سانتیمتر ارتفاع وجود دارد که به دلیل تخریب محوطه بخشی از پاهایش از بین رفته است. سمت شمال لکه رنگی با رنگ کمی متفاوت با نقوش قبلی و در ابعاد ۱۵ در ۲۰ سانتیمتر ارتفاع وجود دارد. در سمت شرق تصویر، نقش دو بز دیده می‌شود که اولی از بالا ۱۴ در ۱۴ سانتیمتر ارتفاع و کمی پایین‌تر از آن نقش بز بزرگ‌تر با ابعاد ۲۲ در ۲۱ سانتیمتر دیده می‌شود که بر گردنش ریسمان بلندی بسته شده است که انتهای ریسمان با فاصله کمی دور نقش کمرنگ انسانی با ابعاد ۳ در ۵ سانتیمتر ارتفاع ترسیم شده است. در فاصله چند متری محوطه اصلی زینکانلو تک نقشی به دست آمده که احتمالاً در گذشته تصویری بزرگ بوده است و با ریختگی پوسته سنگی بوم، اکنون تنها چند خط موج در ابعاد ۱۶ در ۲۷ سانتیمتر دیده می‌شود (تصویر ۶).

از ویژگی‌های هنری زینکانلو ترسیم بزها به صورت ساعت شنی عمودی یا دو مثلث به هم متصل شده می‌باشد که از تمامی رنگین‌نگاره‌های یافت شده در ایران متمایز می‌باشد. از لحاظ ظاهری شباهت زیادی به بزهای رسم شده در جام های شوش دارد (تصویر 4d, 4c).

شباهت‌های میان نقوش تکه و زینکانلو

با بررسی انجام شده توسط نگارنده با وجود مسافت بیشتر از ۱۲۰ کیلومتر میان دو محوطه اما

اشتراکات زیادی میان محوطه تکه و زینکانلو دیده می‌شود که به شرح زیر می‌باشد.

محل قرارگیری نقاشی‌ها هر دو در کنار محل صخره‌ای رودخانه واقع شده است (تصویر ۷). رنگ نقش هر دو با قرمز اخراپی ترسیم شده است

نقش هر دو در حفره سنگی طبیعی به شکل محراب ترسیم شده است.

نقش هر دو محوطه با بزهای ریشو ترسیم شده است.

در هر دو تصویر انسانی با ابزار ابتدایی در حال شکار یا اهلی‌سازی حیوان دیده می‌شود.

با توجه به تقدس تکه برای مردمان بومی روستای نرگسلو علیا، شاید نقوش رنگی زینکانلو در گذشته دارای تقدس آیینی بوده است که امروزه به دلیل تغییر جمعیت ساکن در زینکانلو رو به فراموشی سپرده شده است.

محوطه منقوش باش محله

روستای باش محله در جنوب شرق شهرستان فاروج و با فاصله تقریبی ۶۰ کیلومتر با مختصات $36^{\circ} 59'$ عرض شمالی و $58^{\circ} 06'$ طول شرقی قرار دارد. در فاصله ۱۵۰۰ متری شمال روستا در شمال پلنگ دره، در مسیر مال رو در میان کوهپایه و کنار چشمه ای از آب شیرین، سه محوطه کنار هم با نقوش رنگی صخره ای به دست آمده که نزدیکترین آن به روستا و چشمه، در بالای حفره‌ای سنگی ایجاد شده است تا در مقابل نور خورشید، باد، باران و دیگر عوامل طبیعی در امان بماند. این

حفره سنگی امروزه نزدیک به ۶۰ نقش رنگی با طیف رنگ‌های گوناگون را در خود نگه داشته است. در کل نقوش این محوطه به هفت طیف رنگی: قرمز روشن، قرمز مایل به قهوه‌ای روشن، خاکستری، قرمز تیره، توسی کمرنگ، قهوه‌ای تیره، قرمز کمرنگ که تنها سایه‌ای از آن باقی مانده دیده می‌شود. که شاید توسط چند نفر در یک زمان و یا زمان‌های گوناگون ترسیم شده‌اند. اما از آنجا که در مواردی فضای موردنیاز برای هر نقش درست رعایت نشده احتمال این که در چند زمان گوناگون رسم نقوش انجام شده باشد، زیاد است (تصویر ۸). تمامی نقوش انتزاعی و ایدئوگرافی می‌باشند (تصویر ۱۰، ۹ و ۸) که البته این تنها محوطه‌ای نیست که به این صورت ترسیم شده است بلکه مشابه آن در نقوش پیرگوران و لنگر گوران سراوان، اشکفت لارشکورگویییه در میمند کرمان نیز می‌توان یافت. محوطه شماره ۲ و ۳ داخل دو حفره کوچک و به هم چسبیده و با فاصله بیست متری با محوطه شماره ۱ قرار گرفته اند. در محوطه شماره ۲ سه نقش در کنار هم رسم شده است (تصویر ۱۲ و ۱۱) و از آنجا که این دو محوطه در معرض بیشتر روشنایی نور قرار دارد (البته نه نور مستقیم خورشید) به حالت سایه‌ای کمرنگ در آمده‌اند. محوطه شماره ۳ شامل دو نقش نسبتاً به هم چسبیده می‌باشد (تصویر ۱۲ و ۱۱).

گاهنگاری:

از نقوش رنگی خراسان شمالی تا کنون سالیابی مطلق صورت نگرفته است جز سالیابی نسبی

مطلق شده است. (Edwige et al, 2014- Pike et al, 2012) با توجه به مطالب فوق تا سالیابی مطلق صورت نگیرد نمی‌توان دوره نسبی به نقوش رنگی تکه، زینکانلو و باش محله نسبت داد.

نتیجه‌گیری:

با وجود محوطه‌های گوناگون تاریخی در خراسان شمالی متأسفانه اطلاعات چندان باستان‌شناسی از این استان نداریم. اما با توجه به پتانسیل اقلیمی این منطقه به خصوص نواحی بجنورد و فاروج که رنگین‌نگاره یافت شده است محیط اقلیمی مناسبی برای سیستم کوچروی می‌باشد. نبود دشت‌های مسطح، کوهستانی بودن محیط، رودخانه، اقلیم سرسبز در فصل بهار و تابستان و بارندگی نسبتاً بالا در تمامی فصول، سرمای سخت و بادهای شدید در نیمه دوم سال نسبت به شهرستان‌های اطراف، احتمالاً باعث می‌شود تا مردمان گذشته برای استفاده از محیط به سیستم کوچروی روی بیاورند و با توجه به قدیمی‌ترین منابع تاریخی بر جای مانده از دوران اسلامی از این منطقه می‌دانیم که در سال ۱۴۰۴ میلادی در این منطقه سکونت کوچروها بوده است که متأسفانه به دلیل کمبود منابع و دشواری پژوهش میدانی بر روی سیستم کوچروها، اطلاعاتی از کوچ‌های باستانی این ناحیه نداریم. اما با یافت شدن سه محوطه منقوش با نقاشی‌های رنگی صخره‌ای، تکه در نرگسلو، زینکانلو و باش محله در نواحی کوهستانی شهرستان بجنورد و فاروج شاید ارتباطی میان کوچروی و هنر صخره‌ای در این منطقه باشد.

محوطه تکه که توسط علی اکبر وحدتی به دوره پیش از تاریخ نسبت داده شده است که با توجه به زندگی ابتدایی برخی جوامع کوهنشین یا کوچرو، سالیابی نسبی مقدور نمی‌باشد زیرا ممکن است در برخی جوامع در دوره تاریخی همانند دوران پیش از تاریخ انسانها زندگی خود را با شکارگری و ادوات ابتدایی سپری کرده باشند. اما آنچه که در میان نقوش تکه قابل پیش‌بینی دوره زمانی می‌باشد نقش دو حیوان شبیه سگ (احتمالاً اهلی) در حال شکار می‌باشند که به پیشینه اهلی‌سازی سگ باز می‌گردد (بیگلری، ۱۳۹۳: ۲۷) و نقش یک بز که گویا تیرکمان یا نیزه‌ای در حال اصابت به او می‌باشد. در زمینه گاهنگاری نقوش باش محله به دلیل آنکه تمامی نقوش انتزاعی می‌باشند نمی‌توان آن‌ها را به دوره زمانی خاصی نسبت داد. در نقوش زینکانلو نیز نقش انسانی دیده می‌شود که با ریسمانی بلند به گردن یک بز را بسته است که احتمالاً در حال اهلی‌سازی می‌باشد و با توجه به منابع تاریخی اهلی‌سازی بز اولین بار در گنج‌دره و از حدود ده هزار سال پیش آغاز شده است (هول، ۱۳۸۷: ۷۶-۷۵) و احتمال دارد این رسم در دوره‌های جدیدتر هم کاربرد داشته باشد. امروزه با پیشرفت تکنولوژی به روش U-series می‌توان سالیابی نسبتاً دقیقی از نقوش رنگی و صخره‌ای به دست آورد که در این روش به واسطه رسوبات آهکی که بر روی سطح سنگ و یا نقش بسته شده است با قدمت زمانی میان ۲ یا ۵ تا ۵۰۰ هزار سال سالیابی نمود. (Rosholt.No Data) که اخیراً با این روش نقوش رنگی برخی از غارهای مهم اسپانیا سالیابی

نقوش این سه محوطه در ۳ نقطه متفاوت نسبت به هم واقع شده‌اند که گویا با وجود فاصله بیش از ۱۲۰ کیلومتر میان زینکانلو و تکه اما سبک نقش و محل قرارگیری نقوش در این دو مکان ارتباطی نسبی با هم دارند و شاید از یک سبک بومی سرچشمه گرفته باشد.

نقوش تکه تنها نقوش رنگی یافت شده در ایران می‌باشد که تصاویر بر روی خط زمینه کشیده شده است و نقوش تکه و زینکانلو تنها محوطه‌هایی می‌باشد که نقش بزها به صورت ریشو تصویر شده‌اند. همچنین در زینکانلو نقش بدن بزها به صورت ساعت شنی عمودی یا دو مثلث رسم شده است که این نوع سبک تصویر سازی تاکنون تنها در این محوطه در ایران یافت شده است. محوطه باش محله با نقوش انتزاعی شباهت زیادی با نقوش رنگی اشکفت لارشکورگویییه میمند در استان کرمان و نقوش پیر گوران سراوان در استان سیستان و بلوچستان دارد که هر سه محوطه دارای هنر ترسیمی از شرق ایران می‌باشند.

منابع:

افشاری، حسن؛ محمد ناصری فرد؛ فریبا بختیاری و حسین واحدی (۱۳۹۸)، مستند نگاری و بررسی کهن الگوهای نقوش رنگی پناهگاه صخره‌ای لارشکورگویییه در میمند کرمان در سال (۱۳۹۶)، *اولین کنفرانس ملی دوسالانه باستان شناسی و تاریخ هنر ایران*، بابلسر، دانشگاه مازندران.

ایزدپناه، حمید (۱۳۴۸) الف، نقاشی‌های پیش از تاریخ در غارهای لرستان، مجله باستان‌شناسی و هنر، شماره ۳، ص ۱۱-۶.

ایزدپناه، حمید (۱۳۴۸) ب، نقاشی‌های غار دوشه در لرستان، مجله باستان‌شناسی و هنر، شماره ۴، ص ۵۳-۵۷.

ایزدپناه، حمید (۱۳۵۰)، آثار باستانی لرستان، جلد اول، انتشارات انجمن آثار ملی.

نقوش این سه محوطه در ۳ نقطه متفاوت نسبت به هم واقع شده‌اند که گویا با وجود فاصله بیش از ۱۲۰ کیلومتر میان زینکانلو و تکه اما سبک نقش و محل قرارگیری نقوش در این دو مکان ارتباطی نسبی با هم دارند و شاید از یک سبک بومی سرچشمه گرفته باشد.

نقوش تکه تنها نقوش رنگی یافت شده در ایران می‌باشد که تصاویر بر روی خط زمینه کشیده شده است و نقوش تکه و زینکانلو تنها محوطه‌هایی می‌باشد که نقش بزها به صورت ریشو تصویر شده‌اند. همچنین در زینکانلو نقش بدن بزها به صورت ساعت شنی عمودی یا دو مثلث رسم شده است که این نوع سبک تصویر سازی تاکنون تنها در این محوطه در ایران یافت شده است. محوطه باش محله با نقوش انتزاعی شباهت زیادی با نقوش رنگی اشکفت لارشکورگویییه میمند در استان کرمان و نقوش پیر گوران سراوان در استان سیستان و بلوچستان دارد که هر سه محوطه دارای هنر ترسیمی از شرق ایران می‌باشند.

امروزه محل تکه برای مردمان محلی مکانی با تقدس آیینی می‌باشد که آن را با محل اشکفت لارشکورگویییه در استان کرمان می‌توان مقایسه نمود که هر دو محوطه در شمال و جنوب ایران شرقی می‌باشند. با توجه به اشتراکات یکسان نقوش و همچنین محل قرارگیری هر سه محوطه خراسان شمالی و هم چنین شرایط یکسان محل میان تکه و زینکانلو، احتمالاً زینکانلو نیز در گذشته همانند محل تکه دارای تقدس آیینی بوده است و امروزه به دلیل کوچ و جای‌گزینی اقوام

فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور (۱۳۸۴)،
استان خراسان شمالی. شهرستان بجنورد، تهران،
انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
ناصری فرد، محمد (۱۳۸۸)، سنگ نگاره‌های ایران
(نمادهای اندیشه نگار)، بی‌جا.
وحدتی، علی‌اکبر (۱۳۸۹)، بوم‌های سنگی:
گزارش بررسی دو مجموعه هنر صخره‌ای در
استان خراسان شمالی (جربت و نرگسلوی علیا)،
نشر سازمان میراث فرهنگی میراث فرهنگی
خراسان شمالی.

Edwige P. B, Bourrillon. R, Margaret .W.
Conkey, M.F., Fritz. C., Gárate. D, Quiles.
A, Rivero. O, Sauvet. G, Tosello. G,
Valladas. H and White. R, (2014),
*Uranium-series dating of carbonate
formations overlying Paleolithic art:
interest and limitations*, Bulletin de la
Société préhistorique française, T. 111, No.
2 (AVRIL-JUIN 2014)

Rosholt. J. (1959), *Natural Radioactive
Disequilibrium of the Uranium Series
Department of the Interior Country
unknown/Code not available: N. p., 1959.*
Web

Pike. A. W. G., Hoffmann .D. L., García-
Diez. M., Pettitt. P. B., Alcolea .J.,
DeBalbín. R., González-Sainz. C., de las
Heras. C., Lasheras. J. A., R. Montes and J.
Zilhão, (2012), *U-series dating of
Paleolithic art in 11 caves in Spain.*
Science, Vol. 336, No. 6087 (15 June 2012)

Nagel. A, (2010), *Colors, Gilding and
Painted Motif in Persepolis*, Doctor of
Philosophy (Classical Art and
Archaeology) in the University of Michigan

بورنی. مک، ۱۳۴۸، گزارش مقدماتی بررسی و
حفاری غارهای منطقه کوه‌دشت، ترجمه ذبیح‌الله
رحمتیان، مجله باستان‌شناسی و هنر ایران، شماره
۳، ص ۱۶-۱۴.

بیگلری، فریدون (۱۳۹۳)، *همبودی انسان و
جانوران در ایران زمین*، تهران، موزه ملی ایران.
پاپلی‌یزدی، محمد حسین (۱۳۵۸)، *کوچ‌نشینی در
شمال خراسان*، ترجمه اصغر کریمی، تهران، نشر
آستان قدس رضوی.

خیری، هوشنگ؛ مقیم، غلامرضا؛ حسینی صدیق،
سید محمود (۱۳۹۴)، *تحلیل زمانی و مکانی فصول
بارشی استان خراسان شمالی*. چهارمین همایش
سراسری محیط زیست، انرژی و پدافند زیستی،
مرکز راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار.

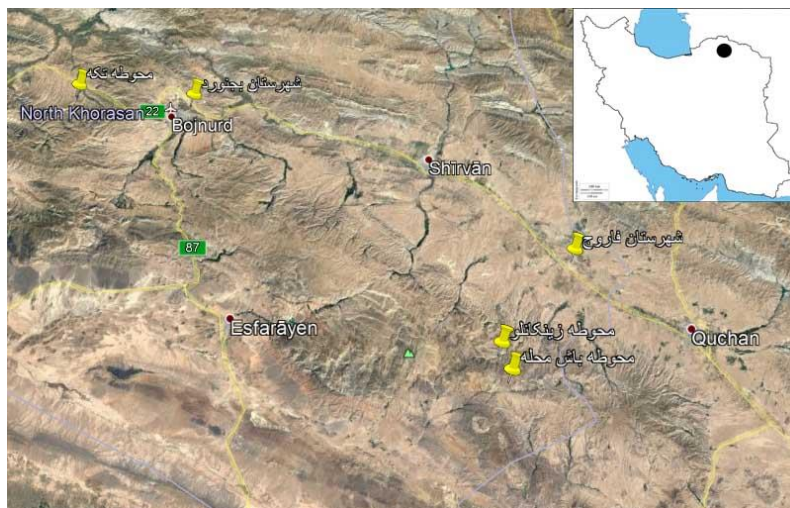
رحمانی، حسین (۱۳۹۴)، *بررسی و مطالعه
باستان‌شناختی نقوش صخره‌ای خراسان شمالی*،
پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد. دانشگاه تهران، منتشر
نشده.

شهبازی، عبدالله (۱۳۶۶)، *مقدمه‌ای بر شناخت
ایلات و عشایر*، تهران، نشر نی.

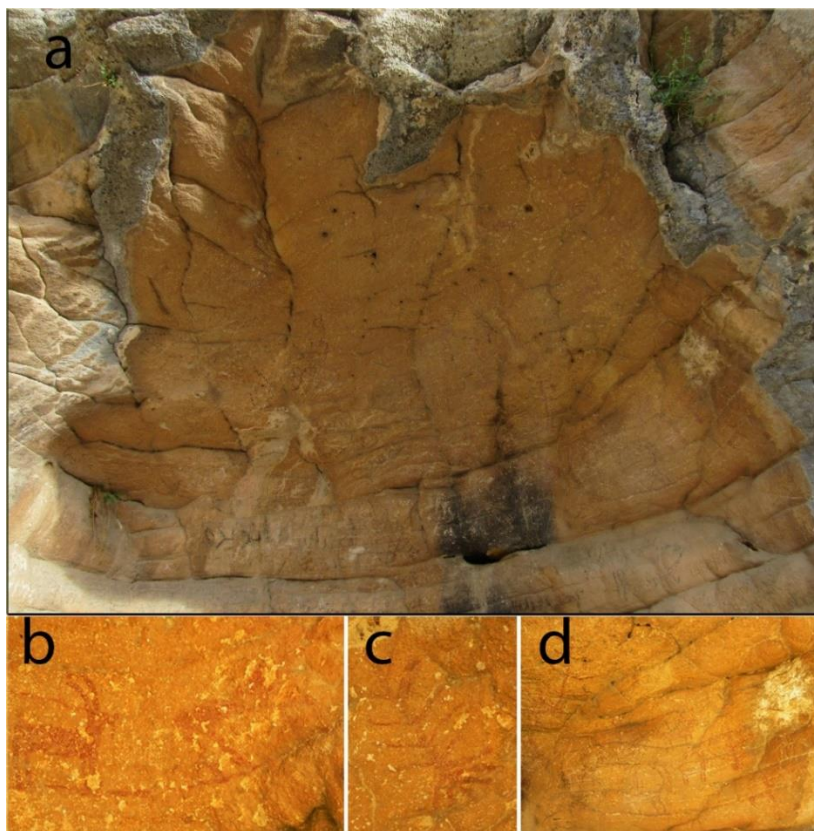
صفی‌نژاد، جواد (۱۳۹۵)، *جامع‌شناسی ایلات و
عشایر ایران*، تهران، نشر سمت.

فرهنگ جغرافیایی ایران (۱۳۳۰)، *جلد نهم*، تهران،
انتشارات سازمان جغرافیایی کشور.

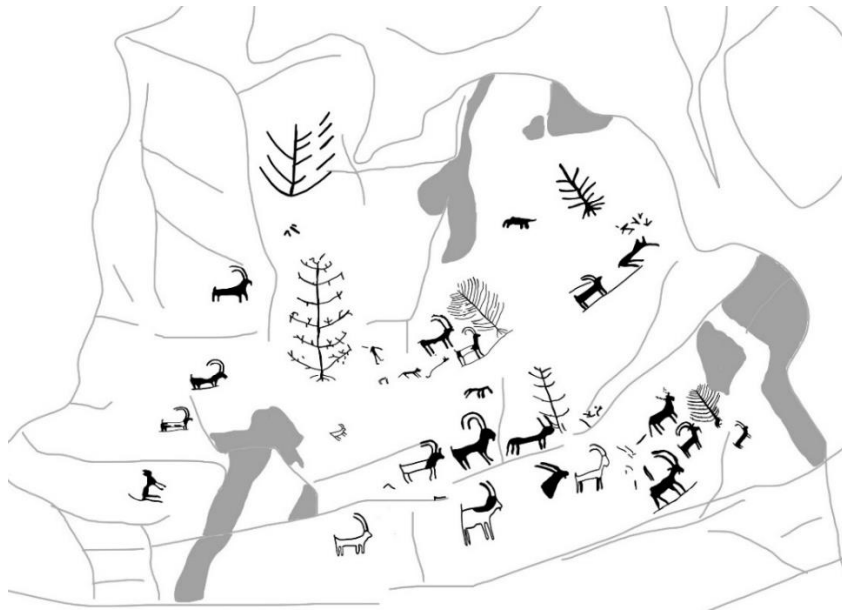
فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور (۱۳۸۴)،
استان خراسان. شهرستان قوچان، تهران، انتشارات
سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.



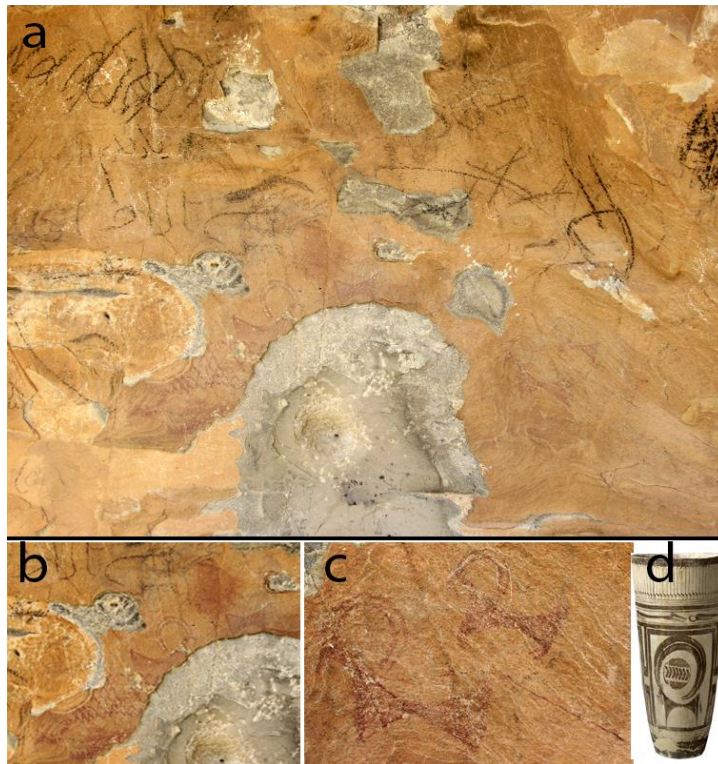
تصویر ۱. محل قرارگیری نقوش رنگی خراسان شمالی بر روی گوگل ارث



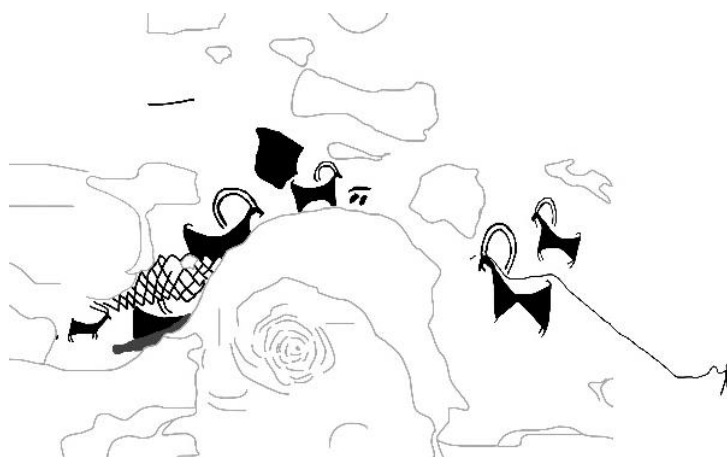
تصویر ۲. محوطه منقوش تکه در بجنورد و منتخب چند تصویر از محوطه، تصویر از نگارندگان، ۱۳۹۷



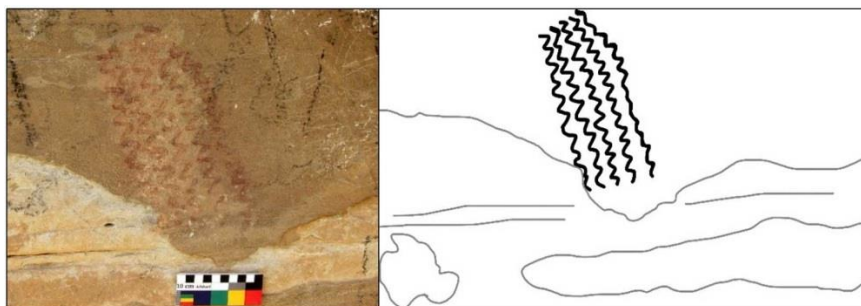
تصویر ۳. تصویر طراحی نقوش محوطه صخره‌ای تکه در بجنورد، تصویر از نگارندگان، ۱۳۹۷



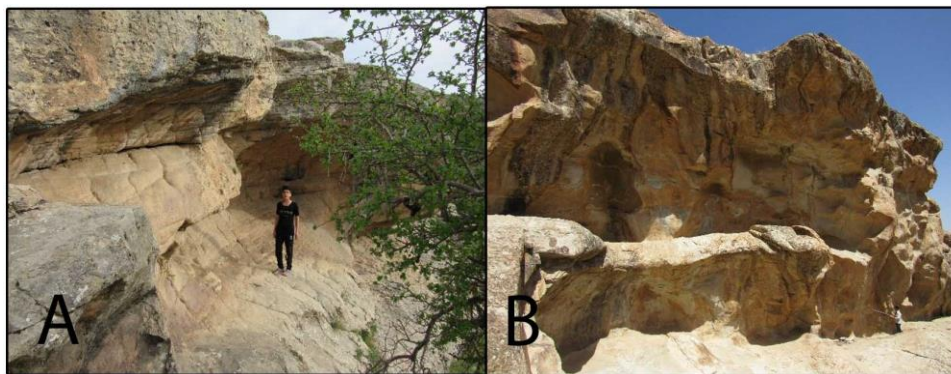
تصویر ۴. نقوش محوطه شماره یک محوطه زینکانلو در شهرستان فاروج، تصویر از نگارنده، ۱۳۹۷



تصویر ۵. نقش گرافیکی محوطه شماره یک زینکانلو در شهرستان فاروج، تصویر از نگارنده، ۱۳۹۷



تصویر ۶. نقوش محوطه شماره دو زینکانلو در شهرستان فاروج، تصویر از نگارنده، ۱۳۹۷



تصویر ۷. محوطه صخره ای تکه (A) و زینکانلو (B) در خراسان شمالی، تصویر از نگارنده، ۱۳۹۷



تصویر ۸. نقوش محوطه شماره یک باش محله در شهرستان فاروج، تصویر از نگارندگان، ۱۳۹۷



تصویر ۹. نقوش محوطه شماره یک باش محله در شهرستان فاروج (تصویر با زاویه عمودی)، تصویر از نگارنده، ۱۳۹۷



تصویر ۱۰. تصویر طراحی نقوش محوطه شماره یک باش محله در شهرستان فاروج، تصویر از نگارنده، ۱۳۹۷



تصویر ۱۱. محوطه شماره دو و سه باش محله در شهرستان فاروج، تصویر از نگارندگان، ۱۳۹۷



تصویر ۱۲. تصویر طراحی نقوش محوطه دو و سه باش محله در شهرستان فاروج، تصویر از نگارندگان، ۱۳۹۷